بروج دوازده گانه در علم هیئت و تقسیم داریه به سیصد و شصت درجه

قبلاً عرض کردم؛ در آن جلسه‌ای که استاد، هیئت را می‌فرمودند و همان درس در دو جلد چاپ شده به نام «دروس هیئت و سائر رشته‌های ریاضی». این را در مسجد معصومیه می‌گفتند. من هم بخش حسابی آن را رفتم. در آن جا یادم هست که فرمودند چرا داریه را سیصد و شصت درجه کرده‌اند؟ به‌خاطر این‌که وقتی می‌خواستند محاسبات بکنند، سیصد و شصت از کسور تسعه همه را داشته مگر سُبع. لذا کوچک‌ترین عددی است که از آن کوچک‌تر نداریم؛ کوچک‌ترین عددی است که نصف دارد، ثلث دارد، ربع دارد، خمس دارد، سدس دارد، ثمن دارد، تسع دارد، عشر دارد. فقط سُبع را ندارد. و لذا این عدد را انتخاب کرده‌اند و داریه را به آن تقسیم کرده‌اند. ایشان این را در آن جا فرمودند. همچنین این‌که گرد را چهارصد قرار داده‌اند، به‌خاطر خصوصیتی است که عدد چهارصد داشته.

اما چیزی که در اینجا داریم راحت‌تر از آن است؛ ما فعلاً می‌گوییم سال است و حرکت زمین به دور خورشید و دوازده ماه؛ دوازده برج. روی حساب عدد رندش هر برج یا هر ماهی سی روز است؛ دوازده تا سی روز، سیصد و شصت روز است. وقتی بشر در رصدخانه و هیئت کار می‌کرد و زیجات را می‌نوشتند، آن عدد درشتی که با آن مواجه می‌شدند همین دوازده سی تا بوده. دوازده ماه و سی روز. خیلی راحت با آن مواجه می‌شدند. پس اگر داریه را تقسیم کردند، می‌توانند در فضای هیئت باشد. آن هم نه به‌خاطر این‌که بخواهد تقسیماتش کسور غیر سُبع داشته باشد. بلکه به‌خاطر این‌که داریه ای که در آسمان داشتند (منطقة البروج) دوازده تا برج بوده و هر برجی هم سی روز بوده. خُب طبیعتاً سی تا دوازده تا سیصد و شصت درجه می شده. ماخذ آن علم هیئت بوده؛ ماخذش رصدخانه بوده. این هم برای سیصد و شصت. پس «خلق السنة»، سیصد و شصت روز؛ با این روش.

البته این‌که سُبع هم داشته باشد، بعد از مباحثه گفتم؛ این جور یادم می‌آید: خلاصة الحساب مرحوم شیخ بهائی چند نسخه دارد. در حاشیه یکی از آن نسخه هایش این حدیث را نقل کرده بود. این جور در ذهن من است: یک یهودی محضر امیرالمؤمنین علیه‌السلام آمد و یک سؤال ابتدا به ساکن کرد. عرض کرد ای امیرالمؤمنین یک عدد می‌خواهم که کسور تسعه و عشره را داشته باشد. یک عددی باشد که نصف و ثلث و ... را داشته باشد. حضرت هم بلافاصله جواب دادند، «اضرب عدد ایام سنتک فی ایام اسبوعک». در این حدیث هم باز سیصد و شصت است. خیلی روشن است. سیصد و شصت همه را دارد الا سُبع. وقتی شما آن را در هفت ضرب کنید، عدد حاصل ضرب سیصد و شصت در هفت، همه کسور تسعه و عشره را دارد. شاید یک وقتی به دنبالش گشتم. در منابعی غیر از حاشیه خلاصة الحساب من پیدا نکردم[1]. آن زمان خیلی وقت پیش بود. الآن بحمد الله امکانات زیاد شده. اگر ماخذ این حدیث حاشیه خلاصة الحساب را پیدا کردید، بفرمایید. حضرت فرمودند «اضرب عدد ایام سنتک فی ایام اسبوعک».

خلاصه این سیصد و شصت و این کسورش یک چیز است، این هم که مربوط به سال باشد چیز دیگری است. خُب تا اینجا مانعی ندارد. دوازده ماه است که هر کدام سی روز است، سیصد و شصت روز میشود.

بعد فرمودند:

«و خلق السماوات و الأرض في ستة أيام»؛ از اینجا ابهام روایت شروع میشود. خدای متعال آسمانها و زمین را در شش روز خلق فرموده. **«فحجزها من ثلاثمائة و ستين يوما»؛** خدا شش روز را از سیصد وشصت روز برداشته. چرا؟ این شش روز را برداشته تا آسمان و زمین را در آن خلق کند. پس سیصد و شصت، شش روز کم دارد. حالا که اینطور شد، **«فالسنة ثلاثمائة و أربعة و خمسون يوما»؛** میشود سیصد و پنجاه و چهار روز ماه قمری. کما اینکه به ماه شمسی اضافه شده. سیصد و شصت و پنج روز، که خمسه مستترقه میشود. خمسه مستترقه، پنج روز اضافه است. آن پنج روز کجا آمده؟ باید بحث شود. فعلاً این روایت این را میگوید.

---

[1] فدکیه

بازبینی #1
ایجاد شده 12 آوریل 2026 10:56:58 توسط ... .
به روزرسانی شده 12 آوریل 2026 10:58:28 توسط ... .